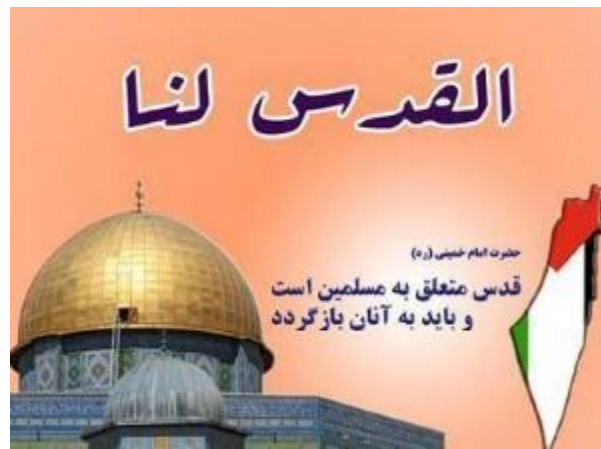


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

روز جهانی قدس



امور روحانیون و ائمه جماعات اداره کل تبلیغات اسلامی استان بوشهر

روز قدس فقط روز فلسطین نیست، روز اسلام است؛ روز حکومت اسلامی است. روزی است که باید جمهوری اسلامی در سراسر کشورها بیرق آن برافراشته شود. روزی است که باید به ابرقدرتها فهماند که دیگر آنها نمی‌توانند در ممالک اسلامی پیشروی کنند.

روز قدس (نام رسمی در ایران: روز جهانی قدس)، مناسبتی رسمی در جمهوری اسلامی ایران است که از یک سال پس از انقلاب ایران، در آخرین جمعه ماه رمضان و در حمایت از ملت فلسطین برگزار می‌شود.

هم‌چنین در این روز، مسلمانان در نقاط مختلف جهان حمایت خودشان را از مردم فلسطین به نمایش می‌گذارند.

قدس نام عربی اورشلیم است..

امام در مورد روز قدس فرموده بود:

«روز قدس فقط روز فلسطین نیست، روز اسلام است؛ روز حکومت اسلامی است. روزی است که باید جمهوری اسلامی در سراسر کشورها بیرق آن برافراشته شود. روزی است که باید به ابرقدرتها فهماند که دیگر آنها نمی‌توانند در ممالک اسلامی پیشروی کنند.

من روز قدس را روز اسلام و روز رسول اکرم می‌دانم، و روزی است که باید ما تمام قوای خودمان را مجهز کنیم.»

همچنین او در شرح جهانی بودن این روز فرمود:

«روز قدس، جهانی است، و روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد. روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است، روز مقابله ملت‌هایی است که در زیر فشار ظلم آمریکا و غیر آمریکا بودند، روزی است که باید مستضعفین مجهز بشوند، در مقابل مستکبرین، و دماغ مستکبرین را به خاک بمالند... روز قدس، روزی است که باید سرنوشت ملت‌های مستضعف معلوم شود باید ملت‌های مستضعف در مقابل مستکبرین اعلان وجود بکنند، باید همانطور که ایران قیام کرد، و دماغ مستکبرین را به خاک مالید، و خواهد مالید، تمام ملت‌ها قیام کنند، و این جرثومه‌های فساد را به زباله‌دانها بریزند.»

پس از دعوت امام، این روز در ایران به عنوان روز جهانی قدس نامگذاری شد. همه ساله در ایران مردم قبل از اقامه نماز جمعه به راهپیمایی در حمایت از مردم فلسطین می‌پردازند. در شماری از کشورهای اسلامی نظیر ترکیه، اندونزی، بحرین، لبنان و پاکستان و حتی برخی از کشورهای غیر اسلامی نظیر ایالات متحده آمریکا و انگلستان نیز، تظاهراتی در برخی از مراکز اسلامی و با حضور گروهی از مسلمانان و غیرمسلمانان برگزار می‌شود.

در این روز، گروه‌هایی از یهودیان و طرفداران کشور اسرائیل و طرفداران جنبش صهیونیسم در برخی کشورهای اروپایی و در ایالات متحده آمریکا، تظاهراتی راعلیه این مراسم به راه می‌اندازند.

منبر:

بخش زیادی از آیات قرآن به خصوصیات یهود اختصاص یافته است رسول اکرم وقتی وارد مدینه شد با سه فرقه مواجه بود

فرقه اول: مشرکین

فرقه دوم: یهودیان

فرقه سوم: منافقان

رسول اکرم با منافقان تا آخر هم نجنبید چون موقعیت جنگ پیش نیامد. اما با مشرکین جنگید با یهودیان پیمان بست که تا آخر خیانت نکنند با یک نگاه به سوره مبارکه بقره آیه ۸۰ به بعد متوجه خیانت یهود میشویم لذا در تاریخ اسلام این قوم به قومی خائن معروف و مشهورند.

معرفی یهود

علت اینکه به آنها یهودی میگویند چون فرزند چهارم یعقوب علیه السلام نامش یهودا است لذا آنان خود را منسوب به او میدانند

تقریباً ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد یعنی حدود ۳۷۰۰ سال قبل زندگی میکردند حضرت موسی علیه السلام تقریباً ۵۰۰ سال بعد آمده است

اسرائیل صفت حضرت یعقوب است و صهیونیسم یک حزب ناسیونالیستی است

صهیون نام کوهی است در اورشلیم که معتقدند مقبره حضرت داوود علیه السلام در آنجاست

ویژگیهای یهود در قرآن کریم

یکی از نویسندگان غربی میگوید دلیل کم بودن قوم یهود همین ویژگیهای آنهاست همین صفات زشت آنان هست لذا با اینکه در تاریخ زودتر از قوم مسیحیت آمده اند اما کمترین جمعیت را در جهان دارند

ویژگیها:

۱- پیمان شکنی

خداوند در قرآن میفرماید: و اذ اخذنا میثاقکم لا تسفکون دمائکم ولا تخرجون انفسکم من ديارکم

ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که خون نریزند کسی را از شهر بیرون نکنند اما هم آدم کشتند هم به اخراج و بیرون کردن مردم پرداختند

این صفت آدم کشی و آواره کردن مردم در وجودشان هست که هرکجا برسند هم میکشند هم مردم را آواره میکنند

۲- شبهه افکنی

دومین ویژگی قوم یهود شبهه افکنی است در سوره مبارکه آل عمران از ۹۹ تا ۱۰۲ دو تا آیه اش مربوط به یهود است دو تا آیه خطاب به مسلمانان است

خطاب به یهود میفرماید

يا أهل الكتاب لم تصدون عن سبيل الله من آمن تبغونها عوجا و أنتم شهداء و ما لله بغافل عما تعملون

وقتی رسول اکرم به مدینه آمد مسلمانان با هم برادر شدند و اختلافات را کنار گذاشتند اوس و خزرج هم با هم رفیق شدند و در بدر و خندق با هم بر کفار پیروز شدند یک پیرمردی بنام شاس ابن قیس تصمیم گرفت اتحاد مسلمانان را بهم بزند لذا یک جوانی را خام کرد گفت تو برو در جلسه اوس و خزرج بنشین این دو تا را به جان هم بینداز گفت چه بگویم گذشته ها را یادشان بیاور به اینها بگو شما یادتان رفته آنها چقدر از شما را کشتند به آنها هم همین را بگو. خلاصه تحریک کرد کم کم دعوا سرگرفت دو قبیله راه افتادند در کوچه های مدینه درگیری راه افتاد تمام اتحاد مسلمانان را بهم ریخت رسول اکرم بلافاصله از خانه بیرون آمدند همه به احترام حضرت توقف کردند حضرت فرمود **الله الله أبدو الجاهلیة ترجعون**

دوباره بر سر خانه اولتان برگشتید بالاخره رسول اکرم فتنه را خاموش کرد ولی تمام نشد پیامبر از دنیا رفت ولی اینها دست بر نداشتند یهودیان خود را به دربار خلفا نزدیک کردند کعب الاحبار یهودی خود را به دربار خلیفه اول نزدیک کرده بود که برابر او محکم ابوذر علیه السلام ایستادگی میکرد

کعب هم حدیث جعل میکرد که آثار آن را شما در کتاب سلمان رشدی ملعون بعنوان حدیث غرانیق پیدا میکنید پر شده کتب از اسرائیلیات که کعب و دوستان یهودیش به اسلام و پیامبر نسبت دادند

لذا وقتی آن شاس ابن قیس مسلمانان را تحریک کرد و اوس و خزرج را به جان هم انداخت این آیات نازل شد که رسول ما به یهود بگو چرا میخواهید راه دین را کج کنید.

۲- خود برتر بینی

سومین ویژگی قوم یهود خود برتر بینی است که هم در قرآن آمده هم در تورات به آن اشاره شده است
در تورات تحریف شده آنان آمده است:

اگر کسی یک یهودی بکشد عزت الهی از بین رفته است

اگر کسی به یک یهودی توهین کند اقتدار خود را زیر سؤال برده است

کسی حق ندارد اموال یهودی را بگیرد ولی یهودی حق دارد اموال دیگران را بگیرد

میگویند ما پسران خدا هستیم

نحن ابناء الله و احبائه

ما رفیق خدا هستیم ما بهشت میرویم

و قالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هودا او نصاری

ما هزاران معصیت کنیم به جهنم نمیرویم و اگر برویم چند روز معدود میرویم

و قالوا لن تمسنا النار الا ایاما معدودة

اما خداوند در قرآن در پاسخ آنان میفرماید :

قل یا ایها الذین هادوا ان زعمتم انکم اولیاء لله من دون الناس فتمنوا الموت ان کنتم صادقین

مگر شما رفیق خدا نیستید خب تقاضای مرگ کنید تا بمیرید و خدا را زودتر ملاقات کنید

بعد قرآن کریم جواب میدهد که هرگز تقاضای مرگ نخواهید کرد

ولا يتمنونه ابدا

چون میترسید جان و مالتان را دوست دارید

میگویند فقط ما برگزیده هستیم فقط عقیده ما درست است

قرآن در جواب میفرماید اینها مثل حمار میمانند

ع-بهانه های بنی اسرائیل

هر ایرادی که مبتنی بر دلایل غیر موجه باشد آن را ایراد بنی اسرائیلی می‌گویند: اصولاً ایراد بنی اسرائیلی احتیاج به دلیل و مدرک ندارد؛ زیرا اصل بر ایراد است - خواه مستند و خواه غیر مستند - برای ایراد گیرنده فرقی نمی‌کند.

ایراد بنی اسرائیلی به اصطلاح دیگر همان بهانه گیری و بهانه جویی است، که ممکن است گاهی از حد متعارف تجاوز کرده به صورت توقع نابجا درآید .

فی‌المثل به یک نفر نقاش دستور می‌دهید که تابلویی از دورنمای قله دماوند برای شما ترسیم کند. نقاش بیچاره کمال ظرافت و هنرمندی را در ترسیم تابلو به کار می‌برد و تمام ریزه کاریها و سایه روشن‌ها را در تجسم قله مستور از برف و قطعات ابری که بر بالای آن قرار دارد کاملاً ملحوظ و منظور می‌دارد، به قسمی که جای هیچ گونه ایرادی باقی نماند. ولی مع هذا ممکن است برای اقناع طبع بهانه جوی خویش انتظار داشته باشید که از تماشای آن تابلو احساس سردی و سرما کنید! این گونه ایرادات را در عرف و اصطلاح عامه «ایراد بنی اسرائیلی» گویند که صرفاً از ذات بهانه گیر مایه می‌گیرد.

اکنون باید دید قوم بنی اسرائیل کیستند و ایرادات آنان بر چه کیفیتی بوده، که صورت ضرب المثل پیدا کرده است.

بنی اسرائیل همان پسران یعقوب به چند قبیله قسمت می‌شدند و هر قبیله رئیسی داشت که او را شیخ یا پدر می‌گفتند. از معروفترین شیوخ آنها حضرت ابراهیم بود که پدر تمام اقوام عبرانی محسوب می‌شود. بنی اسرائیل در زمان یعقوب به مصر مهاجرت کردند و بعد از مدتی به راهنمایی حضرت موسی به شبه جزیره سینا عازم شدند. چهل سال میان راه سرگردان بودند،

پس از آنکه حضرت موسی به پیغمبری مبعوث گردید و آنها را به قبول دین و آیین جدید دعوت کرد، اقوام بنی اسرائیل به عناوین مختلفه موسی را مورد سخریه و تخطئه قرار می‌دادند و هر روز به شکلی از او معجزه و کرامت می‌خواستند .

حضرت موسی هم هر آنچه آنها مطالبه می‌کردند به قدرت خداوندی انجام می‌داد. ولی هنوز مدت کوتاهی از اجابت مسئول آنها نمی‌گذشت که مجدداً ایراد دیگری بر دین جدید وارد می‌کردند و معجزه دیگری از او می‌خواستند .

قوم بنی اسرائیل سالهای متمادی در اطاعت و انقیاد فرعون مصر بودند و از طرف عمال فرعون همه گونه عذاب و شکنجه و قتل و غارت و ظلم و بیدادگری نسبت به آنها می‌شد.

بهانه ها**بهانه اول :**

حضرت موسی با شکافتن شط نیل آنها را از قهر و سخط آل فرعون نجات بخشید؛ ولی این قوم ایرادگیر بهانه جو به محض اینکه از آن مهلکه بیرون جستند مجدداً در مقام انکار و تکذیب برآمدند و گفتند: «ای موسی، ما به تو ایمان نمی‌آوریم مگر آنکه قدرت خداوندی را در این بیابان سوزان و بی آب و علف به شکل و صورت دیگری بر ما نشان دهی.» پس فرمان الهی بر ابر نازل شد که بر آن قوم سایبانی کند و تمام مدتی را که در آن بیابان به سر می‌برند برای آنها غذای مأكولی فرستاد.

بهانه دوم:

پس از چندی از موسی آب خواستند. حضرت موسی عصای خود را به فرمان الهی به سنگی زد و از آن دوازده چشمه خارج شد که اقوام و قبایل دوازده گانه بنی اسرائیل از آن نوشیدند و سیراب شدند.

بهانه سوم :

قوم بنی اسرائیل به آن همه نعمتها و مواهب الهی قناعت نورزیده، مجدداً به ایراد و اعتراض پرداختند که: یکرنگ و یکنواخت بودن غذا با مذاق و مزاج ما سازگار نیست. از نظر تنوع در تغذیه به طعام دیگری احتیاج داریم. به خدای خودت بگو که برای ما سبزی، خیار، سیر، عدس و پیاز بفرستد.

بهانه چهارم :

مطابق اخبار و روایات وارده مانده آسمانی ماهی و گوشت بریان بوده؛ که تا بزمین برسد مسلماً چند روزی می ماند و خوردن گوشت مانده، بدون پیاز ایجاد اسهال می کند. لذا چون قوم بنی اسرائیل به تجربه فواید پیاز را می دانستند از حضرت موسی خواهان خوراکیهایی شده اند که یکی از آنها پیاز بوده است.

بهانه پنجم:

دیری نیاید که در میان قوم بنی اسرائیل قتلی اتفاق افتاده، هویت قاتل لوث شده بود. از موسی خواستند که قاتل اصلی را پیدا کند. حضرت موسی گفت: «خدای تعالی می فرماید اگر گاوی را بکشید و دم گاو را بر جسد مقتول بزنید، مقتول به زبان می آید و قاتل را معرفی می کند».

بهانه ششم :

بنی اسرائیل گفتند: «از خدا سؤال کن که چه نوع گاوی را بکشیم؟» ندا آمد آن گاو نه پیر از کار رفته باشد و نه جوان کار ندیده .

بهانه هفتم :

سپس از رنگ گاو پرسیدند. جواب آمد زرد خالص باشد .

بهانه هشتم :

چون اساس کار بنی اسرائیل بر ایراد و بهانه گیری بود، مجدداً در مقام ایراد و اعتراض برآمدند که این نام و نشانی کافی نیست و خدای تو باید مشخصات دیگری از گاو موصوف بدهد. حضرت موسی از آن همه ایراد و بهانه خسته شده، مجدداً به کوه طور رفت، ندا آمد که این گاو باید رام باشد، زمینی را شیار نکرده باشد، از آن برای آبکشی به منظور کشاورزی استفاده نکرده باشند و خلاصه کاملاً بی عیب و یکرنگ باشد.

بنی اسرائیل گاوی به این نام و نشان را پس از مدتها تفحص و پرس و جو پیدا کردند و از صاحبش به قیمت گزافی خریداری کرده، ذبح نمودند و بالاخره به طریقی که در بالا اشاره شد، هویت قاتل را کشف کردند. آنچه گفته شد، شمه ای از ایرادات عجیب و غریب قوم بنی اسرائیل بر حقیقت و حقانیت حضرت موسی کلیم الله بود که گمان می کنم برای روشن شدن ریشه تاریخی ضرب المثل ایراد» بنی اسرائیلی «کفایت نماید.